

شرق روزنامه

کارشناس

ناامیدی؛ شاه‌بیت علل مرتبط با خودکشی

در اردیبهشت‌ماه امسال، نشست «پیشگیری از رفتارهای پرخطر با محوریت خودکشی» با حضور انجمن‌های روان‌پزشکی و پیشگیری از خودکشی برگزار شد و در آن بر لزوم همکاری‌های بین‌بخشی، اقدام برای کاهش اختلالات روان‌پزشکی از جمله افسردگی و… تأکید شد. به گزارش ایسنا، دکتر علی‌اکبر سیاری، معاون بهداشت وزیر بهداشت، در این نشست با بیان اینکه در سلامت مردم باید به سه مبحث بیماری‌های واگیر، غیرواگیر و آسیب‌های اجتماعی توجه کرد، گفت: مسائلی مانند فقر، طلاق، خشونت، کودکان خیابانی و… از موضوعاتی است که در جامعه ما وجود دارد و آثار آن به وزارت بهداشت نیز بازمی‌گردد.

وی با تأکید بر لزوم هم‌اندیشی میان مسئولان و مدیران و اصحاب رسانه در زمینه خودکشی، افزود: البته خودکشی تنها مشکل ایران نیست، بلکه معضلی جهانی است و در عین حال برای آن راهکار وجود داشته و قابل پیشگیری است. درعین‌حال باید فکر کنیم که برای کاهش این آسیب‌ها چه کنیم و درباره سیستم ارائه خدمات و چگونگی امدادرسانی هم بحث کنیم. در ادامه این نشست دکتر احمد جلیلی، رئیس انجمن روان‌پزشکی ایران، با بیان اینکه ابتدا باید نگرشی ایجاد شود که همه بداندند خودکشی ناشی از بیماری است، ادامه داد: افرادی که مبتلا به بیماری‌هایی مانند افسردگی هستند، ممکن است به این کار اقدام کنند. بنابراین باید به فکر پیشگیری و درمان باشیم و کاری کنیم که بیمار به جامعه بازگردد. وی با تأکید بر لزوم انجام اقداماتی برای کاهش اختلالاتی چون افسردگی، گفت: این کار مختص یک وزارتخانه نیست، بلکه به گردش کار کلی کشور وابسته است. در عین حال رسانه‌ها نیز باید در انتشار اخبار خودکشی به صورت حساب‌شده عمل کنند، چراکه در غیر این صورت ممکن است این اخبار منجر به خودکشی تقلیدی شود.

در ادامه دکتر میرطاهر موسوی، جامعه‌شناس دراین‌باره گفت: وزارت بهداشت یکی از متولیان امر سلامت اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی است. پتانسیل و ظرفیت وزارت بهداشت در دانشگاه‌ها و مراکزش، حاکی از این است که این وزارتخانه مسئولیت‌هایی در زمینه سلامت اجتماعی دارد. وی برخی شرایط موجود در جامعه از جمله دشواری ایجاد امکانات زندگی، تشدید پدیده فقر و وارونگی فقر- کاهش پایبندی به ارزش‌های اجتماعی و… را از دلایل افزایش آسیب‌هایی مانند خودکشی عنوان و اظهار کرد: از طرفی سیستمی‌شدن رانت در کشور و دوقطبی‌شدن جامعه نیز در این زمینه مؤثر است، بنابراین خودکشی را باید در حل دلیشه‌نیشینی،



روند اسکان غیررسمی و… جست‌وجو کرد. مگر می‌شود که کشور ۱۵ میلیون حاشیه‌نشین داشته باشد و ما انتظار بروز خودکشی در آن را نداشته باشیم. موسوی با بیان اینکه اکنون قشربندی دیرینه جامعه ایران به چالش کشیده شده و گروهی محروم در برابر گروه نوکسبه، غیرمولد و نمایش‌محور قرار گرفته‌اند، ادامه داد: این موضوع دو پیامد تشدید نیازها در جامعه به‌ویژه جامعه شهری و پیدایش پدیده حسادت و محرومیت را به دنبال دارد.

همچنین دکتر احمدعلی نوربالا، مشاور وزیر بهداشت در امور سلامت روان، در ادامه این جلسه ۹۰ تا ۹۵ درصد علل خودکشی ناشی از اختلالات روان‌پزشکی دانست و گفت: بیشترین علت خودکشی به افسردگی اختصاص دارد و بعد از آن اعتیاد، سوءمصرف مواد، اختلال شخصیت و… از دیگر علل روان‌پزشکی خودکشی است. وی افزود: البته شاه‌بیت علل مرتبط با خودکشی، درماندگی و ناامیدی است. درحال‌حاضر ۲۳.۴۴ جامعه ما دارای نشانگاه روان‌شناختی بوده‌اند، البته این میزان به معنای وجود اختلالات روان‌پزشکی شدید در این افراد نیست بلکه اختلالات شدید روانی در کمتر از یک درصد این افراد دیده می‌شود. نوربالا با بیان اینکه در جامعه ما اگر کسی به اختلالات روان‌پزشکی مبتلا شود، مراجعه او به روان‌شناس، مشاور و روان‌پزشک در فضایی توأم با انگ همرات است؛ افزود: بنابراین هم در بعد مذهبی و هم در بعد فرهنگی باید از این افراد پشتیبانی و حمایت کنیم. همچنین باید فضای جامعه را تنوع‌پذیر کنیم. باید توجه کرد که اگر آسیب‌پذیران خودکشی در سنین بین ۱۵ تا ۲۴ هستند، از طرفی طیف ۶۵ سال به بالا هم به‌ویژه در مردان بی‌کار و مجرد در معرض خطر اقدام به خودکشی قرار دارند و باید این گروه را مدنظر داشت.

در ادامه این نشست دکتر ملکوتی، نماینده انجمن پیشگیری از خودکشی از طبق مطالعات کشوری، افسردگی به میزان شش برابر، مصرف الکل و اعتیاد به میزان سه برابر و در دو ساعت اول مصرف به میزان شش برابر و سیگار، بی‌کاری و فقر هم به میزان دو برابر احتمال اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد. وی با بیان اینکه اکنون میزان خودکشی از پنج درصد به ۱۱ درصد رسیده است، افزود: بر این اساس احتمال افزایش خودکشی نیز وجود دارد. ما در انجمن پیشگیری از خودکشی اقداماتی انجام دادیم و با درمان افسردگی از سوی پزشک عمومی توانستیم میزان خودکشی را کاهش دهیم. همچنین با استفاده از مشاوره تلفنی ۵۰ درصد خودکشی‌ها در یک سال در بررسی‌های ما کاهش یافت. حال اگر در مراکزى چون بهارلو، لقمان و… مراکز مشاوره فالوآپ را راه‌اندازی کنیم، علاوه بر پیشگیری می‌توانیم طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، میزان خودکشی را تا ۱۰ درصد کاهش دهیم. انجمن ما آماده است که کمک‌های تکنیکی را برای ارتقای این خدمات ارائه دهد.

بایگانی

۲ مورد در مردادماه

خودکشی دسته‌جمعی در ماه‌های اخیر به‌تدریج رواج یافته یا اخبارش راحت‌تر منتشر شده است. در آخرین نمونه، در ۳۰ مرداد، رئیس پلیس آگاهی مازندران گفت: جسد یک دختر و یک پسر در منطقه جنگلی در اطراف کیاسر ساری کشف شد.

احمدرضا رستمی درباره جزئیات خودکشی دو جوان ۲۰ و ۲۵ ساله در منطقه کیاسر به ایسنا گفت: «حوالی ساعت ۱۱ روز پنجشنبه ۲۸ مرداد در منطقه‌ای معروف به عبور جمال‌الدین کلا، ۱۰ کیلومتر بالاتر از کیاسر ساری، جسد دو جوان کشف شد». او با بیان اینکه اجساد این دو جوان که خود را از درختی حلق‌آویز کرده بودند، توسط اهالی منطقه که احشام خود را به چرا برده بودند، کشف شد، عنوان کرد: این دختر و پسر جوان در این منطقه جنگلی دورافتاده اقدام به خودکشی کرده بودند.

رستمی با اشاره به اینکه پس از کشف جسد در صحنه وقوع حادثه حضور داشته، بیان کرد: درون خودروی برپاید این افراد یک وصیت‌نامه کشف شده است که در حال بررسی آن هستیم. این دو فرد نسبتی با یکدیگر نداشتند. هر دو از اهالی یک روستا از روستاهای اطراف شهرستان میاندورود بودند. رئیس‌پلیس آگاهی مازندران اعلام کرد: به دلیل اینکه انتشار جزئیات، بازی با آبروی خانواده افراد است، این کار به صلاح نیست. همچنین یک هفته پیش از آن،



عکس: آیین‌بهر

ارتباطی با میزان خودکشی در نوجوانان در جامعه امروز ایران دارد؟
به‌هیچ‌وجه نمی‌توان پارامتر عضویت در شبکه‌های اجتماعی را درباره خودکشی مهم دانست. واقعیت این است؛ هنگامی که زمینه تعاملات اجتماعی و احساس همبستگی در جامعه کاهش یابد، این می‌تواند سبب‌ساز وقوع یک مشکل جدی شود. بنابراین این‌گونه ارزیابی می‌کنم؛ در جامعه‌ای که امکان دور هم جمع‌شدن افراد به حداقل رسیده است، امکان تعامل و پیوندهای اجتماعی و باهم‌بودن‌ها و درگیرشدن در شور و نشاط اجتماعی کاهش یافته باشد، میل به همبستگی و پیوند، ممکن است افراد را به سطح پیوندهای مجازی سوق دهد. بنابراین نباید یکی از دلایلی که امروز در جامعه ما میل به تلگرام بسیار زیاد است، این است که امکان تعامل افراد در عرصه واقعی بسیار کم است.
افراد نمی‌توانند به مثابه افراد یک جامعه معمولی در قالب نهاده‌ا، انجمن‌ها، گروه‌های محلی و دوستی یا حتی در محفل‌های اجتماعی دور هم جمع شوند. الان حتی برگزاری کنسرت با چه موانع و مشکلاتی مواجه است، درحالی‌که کنسرت می‌تواند شور و نشاط اجتماعی ایجاد کند. بنابراین وقتی با هر زمینه نشاط و شور اجتماعی در جامعه ما مقابله و فرصت‌های تعامل واقعی و پیوندهای اجتماعی بیرونی از افراد سلب می‌شود، آدم‌ها درگیر پیوندهای مجازی می‌شوند اما نمی‌توان گفت که تلگرام یا فضای مجازی یا شبکه‌های اجتماعی علت وقوع خودکشی است. اتفاقاً این حضور گسترده در فضای مجازی هم معلول علت دیگری است که آن علت خلا همبستگی و تعاملات قوی افراد است. بنابراین ممکن است برخی به‌عنوان اینکه دوستی‌های فضای مجازی موجب این خودکشی‌ها شده، حکم بدهند اما این صحیح نیست. این هم معلول خلا ایفای نقش از سوی افراد است. حتی شاید یکی از دلایلی که امروز فضای مجازی ما این‌قدر پرجمع است این باشد که نتوانسته‌ایم زمینه‌های کار، تلاش و هدف‌گذاری‌های بزرگ اجتماعی را در جامعه ایجاد کنیم. در چنین شرایطی فرصت آدم‌ها برای حضور در فضای مجازی خدبه‌خود کمتر می‌شد. برای مثال امروز من که درگیر هدف‌های اجتماعی و کارهای متعددی باشم که از مسئولیت‌های من است، جقدر فرصت دارم که در فضای مجازی حضور داشته باشم. بخشی از این گرایش شدید به فضای مجازی ناشی از کمبود اهداف اجتماعی است؛ زوال نقش و کارکردهای اجتماعی است.

واقعیت این است که وقتی شما عرصه واقعی تعاملات را از بین می‌برید، گروه‌های مرجع و فضاهایی که آدم‌ها بتوانند از افراد و گروه‌های مرجع تأسی کنند را از بین می‌برید؛ این مشکل در جامعه امروز ایران وجود دارد. در خانواده‌های گسسته که در گروه‌ها حالت مرجعیت پیدا می‌کند و به آنها تاسی می‌شود چون در سلسله‌مراتب اجتماعی گروه مرجع ایجاد می‌شود. در گروه‌های مجازی سلسله‌مراتب اجتماعی کمتر شکل می‌گیرد و آدم‌ها بی‌مرجع و بی‌حاشی هستند و بنابراین به میزان زیاد شاهد تصمیم‌گیری‌های فاقد تجربه و آگاهی هستیم. نخبگان به حاشیه رفته‌اند و در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند به جامعه کمک کنند.

۲ مورد دیگری که اخیراً بسیار مشاهده می‌شود و بسیار عجیب است، موارد متعدد خودکشی در میان دانش‌آموزان است. این موارد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نوعی خودکشی ناشی از تضادهای بین دنیای سنتی و مدرن هست که این هم می‌توانست در یک جامعه سالم که در آن سلسله‌مراتب اجتماعی و گروه‌های مختلف نقش دارند، مدیریت شود. امروزه بخشی از مشکلات ما در خودکشی در حوزه دانش‌آموزان است. آمارها نشان می‌دهد که در یک سال گذشته حدود ۱۸ دانش‌آموز خودکشی کرده‌اند. این باز نشانه‌ای از نبود تعادل است. امروز متأسفانه در نظام آموزشی هدف‌گذاری‌ها درست نیستند. این نظام باید نظامی باشد که برای ایجاد مهارت‌های زندگی از جمله آگاهی‌بخشی کار کند اما یک نوع رقابت‌کننده و سودجویی‌های مادی آن را دچار انحراف از رسیدن به هدف کرده است. بحث بر سر نمره است نه یادگیری مهارت‌های زندگی جمعی. این است که ناکه‌ها با مواردی متعدد از خودکشی‌های دانش‌آموزی مواجه می‌شویم.

شهرهای بزرگ قرار گرفته‌اند که در آنها پیوندهای پیشین کارکردی ندارد و بالطبع باید به جای آنها متناسب با زندگی شهرنشینی زمینه‌های پیوندهای اجتماعی در مراکز شهری تقویت می‌شده‌اند. این کار انجام نشده است؛ یعنی ما صرفاً در این مدت آن پیوندهای پیشین را با انجام مداخلاتی بابت برنامه‌های توسعه‌ای و برنامه‌های اقتصادی و فنی از دست داده‌ایم. برای مثال سد زده‌ایم و تغییرات اجتماعی ایجاد شده است و نهایتاً افراد را به مهاجرت‌های گسترده از مکان‌های اولیه به شهرها مجبور کرده‌ایم. واضح است که پیوندهای پیشینی سست شده است و همان‌طور که گفتیم برنامه‌ای برای تقویت پیوندهای اجتماعی در شهرها و کلان‌شهرها نداشته‌ایم. در نتیجه جمعیت شهرها گسترش یافته اما بیگانگی اجتماعی در شهرها هر روز بیشتر از گذشته شده است. شهرهای ما متأسفانه فاقد روابط محلی و منطقه‌ای و فاقد پیوندهای افراد در قالب انجمن‌ها، نهاده‌ا و گروه‌های اجتماعی جدید هستند؛ بنابراین بالطبع آدم‌های گسسته و فاقد پیوند و هویت جمعی و اجتماعی به‌شدت در معرض گسیختگی، بیگانگی و ازدست‌دادن حس بقا قرار خواهند گرفت. این یکی از پارامترهایی بوده است که رخ داده و در برنامه‌ریزی‌ها به هیچ‌وجه منوجه آن نبوده‌ایم.

۲ با در نظر گرفتن این نکته که در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی، رکود و تورم در جامعه ایران بسیار چشمگیر بوده است، آیا ممکن است این دلایل نیز در بروز موارد متعدد خودکشی مؤثر بوده باشد؟
دقیقاً، بحث دیگر آن است که متأسفانه خصوصاً در سال‌های گذشته به دلیل سوءمدیریت‌های فراوان، درگیر بحران‌های اقتصادی و رکود تورمی و مسائلی از این دست شده‌ایم که بالطبع درحالی‌که جمعیت

نزدیک به ۸۰ درصد شهرنشین هستند و حدود ۲۰ درصد روستائین. طبیعی است که با این جابه‌جایی اجتماع انسانی از روستا به شهر به همان میزان پیوندهای پیشینی در قالب قوم و طایفه و قبیله یا پیوندهای خانوادگی بزرگ یا پیوندهای محلی که از گذشته به جا مانده بود، گسسته شده و افراد از آنها رها شده و در حاشیه شهرهای بزرگ قرار گرفته‌اند که در آنها پیوندهای پیشین کارکردی ندارد

جوان ما به‌شدت در حال افزایش بوده و به سنی رسیده است که باید نقش اقتصادی و به‌تبع آن نقش اجتماعی پیدا کند، از این گروه، داشتن حداقل نقش اقتصادی دریغ شده است. درحال‌حاضر میزان بی‌کاری در جامعه ایران به‌شدت بالاست. بی‌کاری جوانان و فارغ‌التحصیلان بالاست. در به همین دلیل نرخ خودکشی در میان جوانان بسیار بالاست. درحال‌حاضر بیشترین میزان خودکشی در فاصله سنی ۱۵ تا ۳۴ساله‌ها رخ می‌دهد. این عدد بسیار چشمگیر است. بخشی از آن ناشی از آن است که متأسفانه اگر آن را با مسئله اشتغال و رکود تورمی در سال‌های گذشته انطباق دهیم، متوجه می‌شویم برای جوان امروز که فاقد کوچک‌ترین نقش در اقتصاد یعنی شغل است (داشتن شغل علاوه بر اینکه یک بعد درآمدی دارد بعد دیگر هم دارد و آن این است که فرد احساس مفیدبودن می‌کند)، این مشکلات می‌تواند خودکشی و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی را در وی بالا ببرد.

بخش دیگری از این پدیده ناشی از این مسئله است که در جامعه ما به بالا رفتن انتظارات یا به عبارتی انفجار انتظارات در نسل‌های جدید و متأسفانه نبود پاسخ‌گویی درست به آنها و ناتوانی در پاسخ‌گویی به این تقاضاها، شکاف عمیقی میان انتظارات و واقعیت‌های روزمره ایجاد شده است. یعنی آدم‌ها حتی اگر یک زندگی معمولی هم داشته باشند، به دلیل انتظارات بسیار زیاد احساس ناکامی می‌کنند. به طور معمول روان‌شناسان می‌گویند این شکاف می‌تواند موجب ناکامی و ناکامی می‌تواند موجب پرخاشگری شود و یکی از اشکال پرخاشگری هم پرخاش به خود است. وقتی کسی خودکشی می‌کند نسبت به خود خشونت روا می‌دارد.

۲ به‌تازگی مواردی از خودکشی در نوجوانانی دیده می‌شود که عضو گروه‌هایی در تلگرام بوده‌اند. شبکه‌های اجتماعی و حضور در آنها آیا

گفت‌وگو با سعید معیدفر

درباره افزایش خودکشی در جامعه ایران

نبود پیوندهای اجتماعی از عوامل بروز خودکشی

نگار حسینی

با وجودی که به نسبت بسیاری از جوامع، میزان خودکشی در جامعه ایرانی چندان بالا نیست اما نرخ چشمگیر رشد میزان خودکشی در این جامعه در سالیان اخیر، توجه بیشتر به دلایل خودکشی در این جامعه را بسیار مهم‌تر از پیش کرده است. گفته می‌شود نبود پیوندهای اجتماعی قوی که نیاز هر جامعه‌ای است، در جامعه ایران از مهم‌ترین عوامل بالا رفتن نرخ خودکشی است. با سعید معیدفر، جامعه‌شناس درباره خودکشی در جامعه ایران و عوامل آن گفت‌وگو کرده‌ایم:

۲ در خودکشی به‌طورکلی چه دلایل و عواملی ممکن است تأثیرگذار باشند؟ به‌علاوه آیا در جوامع امروزی می‌توان خودکشی را یک امر فردی دانست؟

به نظر می‌رسد خودکشی پدیده‌ای کاملاً فردی است. یک شخص نهایتاً تصمیم می‌گیرد که به زندگی خود خاتمه دهد و ظاهراً یک انتخاب شخصی و فردی است اما این پدیده که پیش از این بیشتر در حوزه روان‌شناسی تحلیل و ارزیابی می‌شد، بعدها توسط جامعه‌شناسان موردتوجه قرار گرفت و با ارزیابی روندهای وقوع خودکشی و تعداد آنها جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیدند که اگر چه خودکشی یک تصمیم فردی است اما با تغییرات آن و کاهش یا افزایش میزان آن در دوره‌های زمانی مختلف و در جوامع مختلف به نظر می‌رسد که اتفاقاً بیشتر یک پدیده اجتماعی است تا یک پدیده فردی؛ یعنی ما اگر میزان خودکشی را در زمان‌های مختلف و در مکان‌های مختلف با هم مقایسه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که تغییرات آن ناشی از تغییرات اجتماعی است نه الزاماً تصمیم‌گیری‌های فردی. به عبارت دیگر فرد اگر چه در عمل، خود برای خودکشی تصمیم می‌گیرد اما از آن‌جا که از نظر جامعه‌شناسان فرد یک موجود اجتماعی است که در عمل در ارتباط با جامعه تصمیم می‌گیرد و از بدو تولد در جامعه و نهادهای اجتماعی زندگی می‌کند و خود، اهداف و شخصیتش را م‌رھون جامعه و گروه‌هایی که در آن شکل گرفته می‌داند؛ بنابراین به میزانی که پیوندهای او با جامعه و گروه‌های اجتماعی و موفقیت‌های او در راستای اهداف جامعه تغییر کند، به همان میزان هم انگیزه‌های فردی او برای بقا یا برعکس برای پایان‌دادن به زندگی کاهش یا افزایش می‌یابد. این یک بحث جدی است که ادله فراوانی برای آن وجود دارد و در جامعه ایران نیز قابل‌رویت است. اگر آمار خودکشی را در سال‌های بعد از انقلاب مثلاً در ۱۳۶۰ با آمار خودکشی در سال ۱۳۹۴ مقایسه کنیم؛ به نتایجی می‌رسیم که کاملاً جامعه‌شناختی و اجتماعی است. برای مثال آمارها می‌گوید که سال ۶۰ تعداد خودکشی در کشور ما حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ مورد بوده است ولی مثلاً سال ۹۴ این گزارش‌های خودکشی به بالای چهار هزار مورد رسیده است. این چهار هزار مورد خودکشی‌های موفق بوده است. این اطلاعات حاکی از آن است که در فاصله این سال‌ها درحالی‌که جمعیت ایران دو برابر شده، موارد خودکشی ۲۵ برابر شده است. این نشان می‌دهد که در این سال‌ها اتفاقاتی رخ داده است. در سال‌های نخست بعد از انقلاب در شرایطی بودیم که انگیزه‌های افراد برای خودکشی پایین بوده اما الان در شرایطی هستیم که انگیزه‌های افراد برای خودکشی بالا رفته است. حساسیت جامعه زیادت‌ر شده است.

۲ در این سال‌ها چه اتفاقاتی افتاده که با افزایش چندین‌برابری نرخ خودکشی در جامعه ایران مواجه هستیم؟
اگرچه بسیاری می‌گویند که هنوز از برخی کشورهای دیگر به لحاظ آمار خودکشی فاصله داریم اما نرخ رشد خودکشی در جامعه ایران مهم است و لازم است به آن توجه شود؛ چون این نرخ به‌مراتب بیشتر از کشورهایی است که میزان خودکشی در آنها بالاتر از جامعه ماست. قاعدتاً اگر خوب نگاه کنیم، در سال‌های نخستین بعد از انقلاب، جامعه ایران جامعه‌ای بود که آدم‌ها در آن احساس پیوند بیشتری با هم داشتند. شرایط همبستگی اجتماعی در جامعه ما در آن دوران قوی‌تر از امروز بوده است. ممکن است جامعه در شرایطی باشد که لحاظ اقتصادی شرایط دشوارتری را تجربه کرده باشد اما آنچه اهمیت دارد این است که میزان تعاملات افراد و پیوندهای آنها با یکدیگر و حمایت آنها از یکدیگر بسیار بالاتر از این بوده است و برعکس ما امروز در شرایطی هستیم که متأسفانه پیوندهای اجتماعی سست شده، همبستگی اجتماعی کاهش یافته و افراد بیشتر از جامعه و اجتماع جدا شده‌اند. جامعه‌شناسان می‌گویند به میزان اینکه آدم‌ها احساس می‌کنند در اجتماع نقشی ندارند یا آدم‌های مفیدی نیستند یا کسی به آنها توجه ندارد و طرد شده‌اند و در نظر گرفته نمی‌شوند، به همان میزان هم احساس پوچی می‌کنند و به همان میزان احساس می‌کنند که برای حیات انگیزه‌ای ندارند؛ برعکس به میزانی که آدم‌ها احساس می‌کنند در جامعه مفیدند و دیگران از آنها حمایت می‌کنند و با دیگران تعامل دارند و در جامعه شور اجتماعی و نشاط وجود دارد و آدم‌ها به طور دائم نگران یکدیگر هستند، انگیزه‌های بقا افزایش می‌یابند.

۲ با این اوصاف و با در نظر گرفتن تغییرات چشمگیر اجتماعی در سال‌های گذشته و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر افراد در جامعه ایران بیش‌ازپیش از فضای عمومی فاصله گرفته‌اند، آیا می‌توان روندی از تغییرات میزان خودکشی ارائه کرد؟
بدون شک چنین روندی باید بررسی شود اما قطعاً هرچه جلو رفته‌ایم، میزان گرایش به خودکشی بالاتر رفته و دلایل آن تا حد زیادی مشخص نیست. بخشی از این مشکلات ناشی از این است که با ورود به زندگی شهرنشینی، پیوندهای پیشین در جامعه ایران تا حد زیادی از دست رفته و سست شده‌اند. اوایل انقلاب نیمی از جمعیت در روستاها زندگی می‌کرده و نیمی دیگر شهرنشین بوده‌اند. درحال‌حاضر نزدیک به ۸۰ درصد شهرنشین هستند و حدود ۲۰ درصد روستائین. طبیعی است که با این جابه‌جایی اجتماع انسانی از روستا به شهر به همان میزان پیوندهای پیشینی در قالب قوم و طایفه یا قبیله یا پیوندهای خانوادگی بزرگ یا پیوندهای محلی که از گذشته به جا مانده بود، گسسته شده و افراد از آنها رها شده و در حاشیه